

الدَّرْسُ الْخَامِسُ

أنواع الإعراب (٢)

دانستیم که

- ١) اعراب دارای سه نوع است (١) ظاهری (٢) محلی (٣) تقدیری
- ٢) اعراب ظاهری شامل بیشتر اسم های معرب است و بر دو نوع است (١) اصلی (٢) فرعی

اما اعراب محلی و تقدیری شامل چه کلماتی است؟

اعراب محلی

- آیا اسم های مبنی را به خاطر می آورید؟
- «اسم مبنی، اسمی است که حرکت آخر آن ها در موقعیت های مختلف ... باشد»
- اگر علامت آخر کلمات مبنی تغییر ناپذیر است پس چگونه می توان به نقش آن پی برد؟

به تصاویر زیر توجه کنید :



این افراد برای ما آشنا نیستند. اما از «محلی» کار آن ها می توان دریافت که آن ها روزنامه فروش، راننده و

معلم هستند.

از آنجا که علامت آخر کلمات مبنی ثابت است، لذا برای شناختن اعراب و نقش آن‌ها باید به «محلّ» قرار گرفتن آن‌ها توجه کرد.

نَجَحَ التَّلْمِيذُ. رَأَيْتُ التَّلْمِيذَ. نَظَرْتُ إِلَى التَّلْمِيذِ.
 نَجَحَ ذَلِكَ. رَأَيْتُ ذَلِكَ. نَظَرْتُ إِلَى ذَلِكَ.

آیا در ظاهر کلمه «ذلک» علامتی وجود دارد که با کمک آن بتوان اعراب آن را تشخیص داد؟ چگونه می‌توان به اعراب «ذلک» در سه جمله بی‌برد؟ آیا می‌توانید از موقعیت «ذلک» و مقایسه آن با «التلمیذ» در جملات فوق اعراب آن را تشخیص دهید که رفع است یا نصب و یا جرّ؟



حال حدس بزنید

﴿بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ﴾ (هود/۸۶)

اسم‌های مبنی در دو آیه چه اعرابی دارند؟

﴿ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ﴾ (البقرة/۲)

محلّاً
مجرور

محلّاً
منصوب

محلّاً
مرفوع

محلّاً
مجرور

محلّاً
منصوب

محلّاً
مرفوع



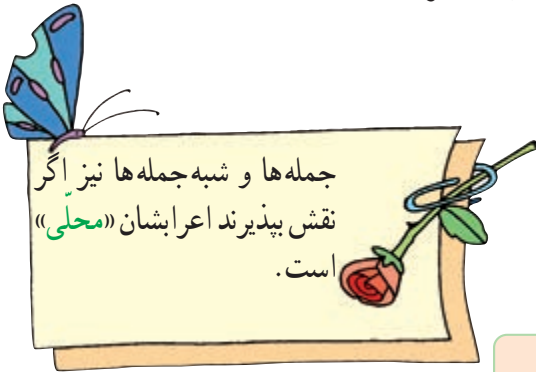
به این دو عبارت توجه کنید

— کلمات مشخص شده چه نقشی دارند؟

— آیا می دانید خبر چه اعرابی دارد؟



— آیا اعراب خبر در مثال های فوق ظاهر شده است؟



اعراب تقدیری

علامات آخر آن ها بر اساس نقشی که در
جمله دارند، ...
○ ثابت است ○ متغیر است

کلمات معرب کلماتی
هستند که :

اکنون کلمات معرب را معین کنید :

الفْتَى تَلَكْ الْقَاضِي هُوَ لَا كِتَابِي هِي بِنْتُ

● می دانیم که «الفْتَى» اسمی معرب است. حال اعراب «الفْتَى» را در جملات زیر
تعیین نمایید :

سَلَّمْتُ عَلَى الْفَتَى.

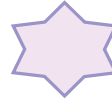
رَأَيْتُ الْفَتَى.

جاء الفْتَى.



چرا کلمه «الفتی» با وجود اینکه معرب است علامت‌های رفع، نصب و جرّ را

نپذیرفته است؟



برخی کلمات با وجود معرب بودن علامت‌های اعراب را نمی‌پذیرند و اعراب آن‌ها را باید از نقش کلمه در جمله تشخیص داد. به چنین اعرابی اصطلاحاً «اعراب تقدیری» می‌گوییم.

مهم‌ترین کلماتی که اعراب آن‌ها تقدیری است :

<p>اسمی است معرب که به الف ختم شود. مانند: دنیا، کبری</p>	<p>اسم مقصور</p>
<p>رفع: جاء <u>الفتی</u>. نصب: رأیْتُ <u>الفتی</u>. جر: سلّمت علی <u>الفتی</u>.</p>	<p>اعراب در هر سه حالت اعراب تقدیری دارد.</p>
<p>فاعل، مرفوع تقدیراً مفعول به، منصوب تقدیراً مجرور به حرف جرّ تقدیراً</p>	

<p>اسمی است معرب که به یاء ماقبل مکسور ختم شود. مانند: قاضی، هادی</p>	<p>اسم منقوص</p>
<p>رفع: حَضَرَ <u>القاضی</u>. نصب: شاهدتُ <u>القاضی</u>. جر: مررتُ <u>بالقاضی</u>.</p>	<p>اعراب در دو حالت رفع و جر اعراب تقدیری دارد.</p>
<p>فاعل: منصوب با فتحه مجرور به حرف جرّ</p>	

<p>اسمی است معرب که به ضمیر متکلم وحده «ی» اضافه شود. مانند: صدیقی</p>	<p>اسم مضاف به یاء متکلم</p>
<p>رفع: هذا <u>کتابی</u>. نصب: قرأتُ <u>کتابی</u>. جر: القصةُ فی <u>کتابی</u>.</p>	<p>اعراب در هر سه حالت اعراب تقدیری دارد.</p>
<p>... مرفوع تقدیراً مفعول به تقدیراً</p>	



در اعراب محلی و نیز در اعراب تقدیری باید به محل و موقعیت کلمه در جمله توجه کرد. پس فرق این دو در چیست؟

با مروری بر آنچه گذشت حتماً درمی یابید که :

اعراب محلی اصطلاحی است برای کلمات مبنی، جمله و شبه جمله.
اعراب تقدیری اصطلاحی است برای برخی کلمات معرب یعنی (مقصود، منقوص، مضاف به یاء متکلم).

اعراب اسم

مبني

معرب

محلّي

تقدیری

ظاهری

شامل

- ۱- ضمائر
- ۲- اسم موصول
- ۳- اسم اشاره
- ۴- اسم استفهام
- ۵- اسم شرط
- ۶- عدد مرکب

مقصور

در هر سه حالت

جاء الفَتَى:

رأيتُ الفَتَى:

سَلَّمْتُ على الفَتَى:

مثنى

«الف» در حالت رفع

«ياء» در حالت نصب و جرّ

جمع مذکر سالم

«واو» در حالت رفع

«ياء» در حالت نصب و جرّ

أسماء خمسة

«واو» در حالت رفع

«الف» در حالت نصب

«ياء» در حالت جرّ

جمع مؤنث سالم

«ـ» در حالت نصب

غير منصرف

«ـ» در حالت جرّ

فرعی

اصلي

رفعٌ

جاء المعلمُ:

نصبٌ

رأيتُ المعلمَ:

جرٌّ

سَلَّمْتُ على المعلمِ:

محللاً مرفوع
هَذَا كِتَابٌ.

محللاً منصوب
قَرَأْتُ هَذَا الْكِتَابَ.

محللاً مجرور
سَلَّمْتُ على هَذَا الرَّجُلِ.

مضاف به یای متکلم

در هر سه حالت

جاء معلَمِي:

رأيتُ معلَمِي:

سَلَّمْتُ على معلَمِي:

يا إلهي

يا إلهي يا إلهي
إجعل اليوم سعيداً
واملاً الصدر انشراحاً
يا إلهي أنت عؤني
نور العقل وقلبي
واجعل التوفيق حظي
يا مُجيبَ الدَّعَوَاتِ
و كَثِيرَ الْبَرَكَاتِ
و فَمِي بِالْبَسَمَاتِ
فِي أَدَاءِ الْوَأَجِبَاتِ
بِالْعُلُومِ النَّافِعَاتِ
و نَصِيبِي فِي الْحَيَاةِ

الأديب الملتزم

ذاتَ يَوْمٍ قَالَ الْمُتَوَكَّلُ الْعَبَّاسِيُّ لِوَزِيرِهِ :
أُرِيدُ مُعَلِّمًا حَازِقًا لِتَرْبِيَةِ أَوْلَادِي وَ تَعْلِيمِهِمْ . فَمَا رَأَيْتَ ؟
- لَا أَعْرِفُ أَفْضَلَ وَ أَعْلَمَ مِنْ ابْنِ السَّكِّيتِ ^١ .
- طَيِّبٌ ، طَيِّبٌ ، إِذَنْ أَحْضِرْهُ لِتَعْلِيمِ أَوْلَادِي .
حَضَرَ ابْنُ السَّكِّيتِ لِتَرْبِيَةِ أَبْنَاءِ الْمُتَوَكَّلِ وَ تَعْلِيمِهِمْ .
فِي يَوْمٍ عِنْدَمَا كَانَ ابْنُ السَّكِّيتِ جَالِسًا عِنْدَ الْمُتَوَكَّلِ دَخَلَ عَلَيْهِمَا وَ لَدَاهُ ^٢ .
- هَلْ وَ لَدَايَ أَحَبُّ إِلَيْكَ أَوْ أَوْلَادُ عَلِيٍّ ؟

١- هو أديبٌ ملتزمٌ كان يعيشُ في العصرِ العباسيِّ و هو كانَ مُحبًّا لأهلِ بيتِ رسولِ الله (ص).

٢- تُحَدَفُ النونُ مِنَ الْمُشْتَى وَ الْجَمْعُ السَّالِمُ لِلْمُذَكَّرِ عِنْدَ الْإِضَافَةِ .

غَضِبَ ابْنُ السَّكَيْتِ مِنْ كَلَامِ الْمُتَوَكِّلِ وَقَالَ بِجُرْأَةٍ :
وَاللَّهِ، إِنَّ قَنْبَرًا مَوْلَى عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ لِأَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ هَدَيْنِ وَأَبِيهِمَا .
غَضِبَ الْخَلِيفَةُ غَضَبًا شَدِيدًا وَأَمَرَ الْجَلَادِينَ بِقَطْعِ لِسَانِ هَذَا الْعَالِمِ الشُّجَاعِ .
فَفَازَ بِإِلْقَاءِ رَبِّهِ .

أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ التَّالِيَةِ :

- ١- مَاذَا تَطْلُبُ مِنْ مَعْبُودِكَ؟
- ٢- مَنْ كَانَ ابْنُ السَّكَيْتِ؟
- ٣- مَا كَانَتْ عَاقِبَةُ ابْنِ السَّكَيْتِ؟

التمرين الأول

أنظر إلى الكلمات التي أُشير إليها بخطّ ثمّ أجب عما طُلب منك :

المثال :

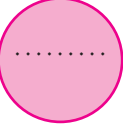
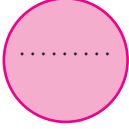
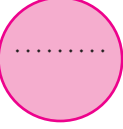
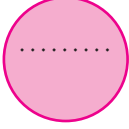
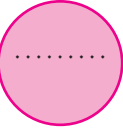
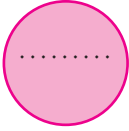
﴿هُوَ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ﴾

سبب البناء

إعراب

ضمير

مبتدأ و
مرفوع محلاً



١- ﴿رَبِّ اجْعَلْ هَذَا الْبَلَدَ آمِنًا﴾

٢- «أَكْرِمُوا أَوْلَادَكُمْ وَأَحْسِنُوا آدَابَهُمْ».

٣- اِحْتَرِمْ مَنْ يَعْمَلُ الْخَيْرَ.

التمرين الثاني

انتخب الإعراب المناسب لما أُشير إليه بخطّ :

١- ﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى﴾

٢- ﴿يَا قَوْمَنَا أَجِيبُوا دَاعِيَ اللَّهِ﴾

٣- «الدُّنْيَا مَرْزَعَةُ الْآخِرَةِ».

٤- «أَوْصِيكُمْ بِتَقْوَى اللَّهِ وَنَظْمِ أَمْرِكُمْ»

٥- «يَا رَبِّ قَوِّ عَلَى خِدْمَتِكَ جَوَارِحِي»

مبتدأ و مرفوع
تقديراً

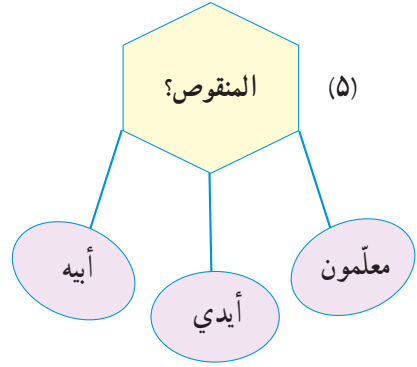
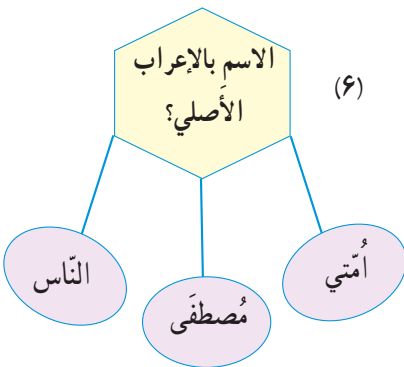
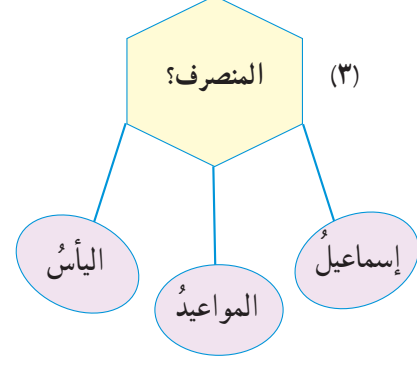
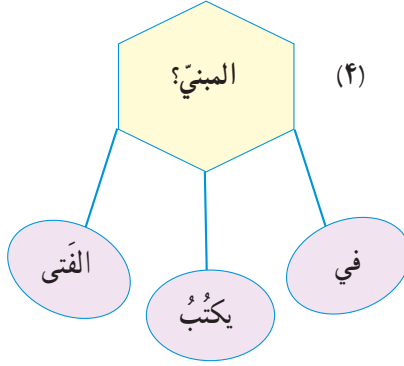
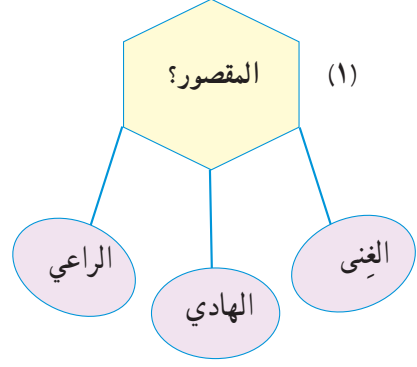
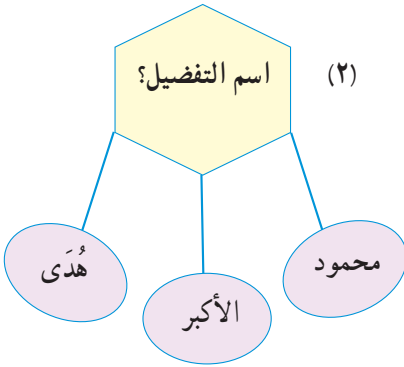
مجرور تقديراً

مفعول به و
منصوب بالفتحة

مفعول به و
منصوب تقديراً

مجرور تقديراً

إنتخب الصَّحِيحَ مِنْ كُلِّ شَكْلِ وَاجْعَلْهُ فِي الْمَكَانِ الْمُنَاسِبِ :



قال الإمام عليّ (ع) : ١ ٢ ٣ عمّا ٤ ٥ ٦

للتعريب

امیدهای آینده

- مراسم بزرگداشت روز دانش‌آموز در مدرسه برگزار می‌شود.
- چرا آن روز را روز دانش‌آموز می‌نامیم؟
- روز دانش‌آموز، روز شهادت گروهی از دانش‌آموزان است.
- دانش‌آموزان امیدهای آینده هستند.
- آری، آینده کشور به دست دانش‌آموزان است.
- آیا می‌دانی وظیفه ما چیست؟
- وظیفه ما درس خواندن و ساختن میهنی مستقل است^۱.

أُغْرِبَ مَا أُشِيرَ إِلَيْهِ بِحَطِّ:

۱- ﴿فَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ أَنْ اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْحَجَرَ﴾

۲- «الدُّنْيَا سِجْنُ الْمُؤْمِنِ وَجَنَّةُ الْكَافِرِ»

۱- امیدهای آینده: آمال المستقبل، مراسم بزرگداشت: مراسم التکریم، برگزار می‌شود: تَعَقَّدُ، می‌نامیم: نُسَمِّي، شهادت: استشهد، گروهی: جمع، جماعة، آینده کشور: مستقبل البلاد، وظیفه: وظیفه، واجب، درس خواندن: الدَّرَاسَة، ساختن: بناء، میهن: وطن

برای ترجمه متن گاهی ناگزیر هستیم از فرهنگ لغت استفاده کنیم.

فرهنگ‌های زبان عربی معمولاً به یکی از دو روش زیر تدوین می‌شوند:

الف) برحسب ریشه: در این گونه فرهنگ‌ها کلمات برحسب ریشه و حروف اصلی

آن‌ها تقسیم‌بندی می‌شوند و سپس مشتقات آن کلمات در پی می‌آیند. به عنوان مثال برای

یافتن «استَعْلَمَ» باید به «عَلِمَ» مراجعه کنیم، مانند:

عَلِمَ : دانست.

أَعْلَمَ : فهماند، خبر داد.

تَعَلَّمَ : یاد گرفت.

استَعْلَمَ : پرسید، جویای خبر شد.

ب) برحسب ترتیب حروف: در این گونه فرهنگ‌ها کلمات فقط برحسب ترتیب

قرارگرفتن حروف تقسیم‌بندی می‌شوند، مانند:

استَعْلَمَ : پرسید، جویای خبر شد.

أَعْلَمَ : فهماند، خبر داد.

تَعَلَّمَ : یاد گرفت.

عَلِمَ : دانست.

إِقرأ العبارة ثُمَّ تَرجمها إلى الفارسيّة بعبارة مألوفة :

* الصبرُ صَبْرَانِ صَبْرٌ عَلَى مَا تَكَرَّرَ وَ صَبْرٌ عَمَّا تُحِبُّ .

در کدام آیه دو مفهوم با هم مقایسه نشده اند :

- ۱- ﴿هُوَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ﴾ (الحديد / ۳)
- ۲- ﴿هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ﴾ (الزمر / ۹)
- ۳- ﴿فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا﴾ (النساء / ۹۵)